



# هژمونی رسانه‌ای آنتونیو گرامشی

---

ANTONIO GRAMSCI

# مقدمه

- آنتونیو گرامشی (۱۸۹۱-۱۹۳۷) نظریه پرداز مارکسیست ایتالیایی است که بیش از هر چیز به خاطر تبیین مفهوم «هژمونی» شهرت یافته است.
- او که یکی از بنیانگذاران حزب کمونیست ایتالیا بود (۱۹۲۱) در سال ۱۹۲۶ به دست فاشیست‌ها زندانی شد و باقی عمرش را در زندان گذراند.
- وی با وجود وضع نامساعد جسمی در زندان نیز به مطالعه و نویسندگی ادامه داد. نتیجه پژوهش‌های او که پس از سقوط فاشیسم در کتابی با عنوان "یادداشت‌های زندان" (۲) (۱۹۲۹-۱۹۳۵) منتشر شد، جوهره نظریات او را تشکیل می‌دهد که به نوبه خود سهم شایانی در تکامل نظریه مارکسیسم داشته است.
- شاخصه‌های اصلی نظریات مارکسیستی گرامشی عبارتند از زیر سوال بردن جبر اقتصادی و رد ایده قوانین تاریخ. این نظریات به بهترین شکل در سخنان او درباره انقلاب روسیه تبلور یافته اند؛

# اندیشه

- گرامشی از متفکرانی چون هگل، مارکس و انگلس، لنین، لوکزامبورگ و تروتسکی متأثر است. البته آثار دایره المعارفی مارکس که فراتر از حوزه صرف جامعه شناختی هستند، بیشترین تاثیر را بر او داشته اند؛ از سویی دیگر آثار «بندتو کروچه» متفکر ایتالیایی مورد مطالعه دقیق او بوده است.
- گرامشی خود می گوید؛ «همان طور که فلسفه هگل مقدمه مارکسیسم در قرن نوزدهم و یکی از پایه های تمدن جدید بوده است، فلسفه کروچه هم مقدمه یی است برای مارکسیسم نو شده و معاصر و مناسب نسل ما.»
- گرامشی معتقد به دمیدن خون تازه در مارکسیسم است چراکه «مارکسیسم در لنینیسم خصلتی کاملاً سیاسی و خالی از وجوه و عوامل فرهنگی و اخلاقی یافته بود؛ هرگونه تاثیری برای عامل فرهنگی و اخلاقی از نظر تعیین کنندگی در تحولات اجتماعی مورد انکار قرار می گرفت.»

# ایده هژمونی

- برخورد تفکرآمیز گرامشی با ایده هژمونی عرصه جدیدی را ایجاد کرد. «هژمونی» به عنوان مفهومی نظری ساخته خود اوست. گرامشی در «دفترهای زندان» هژمونی را در سه سطح به کار می برد:
- **سطح اول:** گرامشی این سطح را در ارتباط با ائتلاف های طبقاتی پرولتاریا یا سایر گروه های تحت استثمار به ویژه دهقانان به کار می برد و تحقق هژمونی از نظر او ضروری است که منافع و تمایلات گروه های تحت هژمونی در نظر گرفته شود؛ به عبارت دیگر گروه های رهبری کننده باید به فداکاری های اقتصادی و تجاری دست بزنند. اگرچه هژمونی اخلاقی - سیاسی است، اما باید اقتصادی هم باشد و بر نقش مهم گروه رهبری کننده در هسته مهم فعالیت های اقتصادی استوار باشد.
- **سطح دوم:** کار اصلی گرامشی از اینجا شروع می شود. هژمونی در این سطح برای گرامشی به این معنی است که این طبقه توانسته است طبقات جامعه را به پذیرفتن ارزش های اخلاقی، سیاسی و فرهنگی خود ترغیب کند. اگر طبقه حاکم موفق باشد، این کار مستلزم حداقل خشونت خواهد بود، مانند رژیم های لیبرال موفق در قرن نوزدهم.

# ایده هژمونی (ادامه)

گرامشی معتقد است؛ برتری یک گروه اجتماعی دو شکل به خود می گیرد؛ «سلطه» و «رهنموددهندگی فکری و اخلاقی». بنابراین هنجاری که طبقه حاکم بیشتر با استفاده از زور طبقات دیگر را تحت انقیاد در آورد، حالت «سلطه» برقرار است؛ اما هنجاری که طبقه حاکم برتری خود را به صورت رهنمود دهندگی فکری، اخلاقی و... اعمال کند حالت «هژمونی» برقرار است؛ در واقع واژه سلطه در برابر واژه هژمونی است و آنچه که در اینجا برجسته می شود جنبه فرهنگی هژمونی است.

■ **سطح سوم:** در این سطح هژمونی میان دولت و جامعه مدنی توزیع شده است؛ هژمونی از نو چنان تعریف شده تا قهر و اجماع با یکدیگر تلفیق شود، ترکیبی از زور و اجماع بی آنکه زور بیش از اندازه از اجماع پیشی گیرد.

# دولت و جامعه مدنی

---

- برای گرامشی ، هژمونی شکلی از کنترل است که در درجه اول از طریق ساختارهای کلان یک جامعه، علیه نهادهای پایه ای آن یا روابط اجتماعی مربوط به تولید با ویژگی های عمدتاً اقتصادی اعمال می شود.
- " هژمونی اجتماعی " نامی است که بر رضایت " خودجوش " توده های بزرگ مردم با جهت گیری های کلی که توسط گروه حاکم بر زندگی اجتماعی گروه های نهادین جامعه اعمال شده، اطلاق می شود. کسب این رضایت "تاریخی" از سوی طبقه حاکم اساساً ریشه از قدر و منزلت (و در نتیجه اطمینان از خود) ای دارد که طبقه سلطه گر به دلیل موقعیت متمایز و در دست داشتن چرخه های تولید از آن برخوردار است.

# ایده هژمونی سیاسی – مدنی

---

- گرامشی، هژمونی را به دو قسمت تقسیم کرد؛ «هژمونی سیاسی» و «هژمونی مدنی». وی از قوای مجریه، مقننه و قضائیه دولت لیبرال به عنوان «نهادهای هژمونی سیاسی» و از کلیساها، احزاب، اتحادیه های کارگری، خانواده، مدارس، دانشگاه ها، روزنامه ها و نهادهای فرهنگی به عنوان «نهادهای هژمونی مدنی» یاد می کند.
- در این سطح است که دولت اخلاقی و فرهنگی مطرح می شود. گرامشی در این باره می گوید؛ هر دولتی اخلاقی است، زیرا یکی از مهم ترین وظایف آن ارتقای سطح اخلاق و فرهنگ توده هاست. در این راستا، مدارس به عنوان کارکرد آموزنده مثبت و دادگاه ها به عنوان کارکرد سرکوبگر و آموزنده منفی دولت، اساسی ترین فعالیت های دولت را دربرمی گیرند. اما در واقع فعالیت ها و ابتکارات خصوصی متعدد دیگری نیز دقیقاً همین هدف را دنبال می کنند. این فعالیت ها و ابتکارات، در کل «دستگاه هژمونی فرهنگی و سیاسی» طبقات حاکم را تشکیل می دهند.

# هژمونی به عنوان آموزش و پرورش

---

■ بر اساس نظریات گرامشی ، یکی از مهم ترین کارکردهای دولت " تعلیم توده عظیم مردم برای رسیدن به سطح و نوع خاصی از فرهنگ و اخلاق است که متناسب با نیازهای قدرت هایی که تولید را در دست دارند، در جهت توسعه و در نتیجه به منافع طبقه ی حاکم باشد.

■ "مدرسه به عنوان یک ابزار تربیتی در جهت مثبت و دادگاه به عنوان یک ابزار سرکوبگر در عملکرد تربیتی با جهت منفی، مهم ترین فعالیت های دولت در این راستا را شکل میدهند. اما در واقع گرامشی معتقد است بسیاری از دیگر طرح های به اصطلاح خصوصی و فعالیت هایی متعدد دیگری با همین اهداف از سوی دستگاه سلطه سیاسی و فرهنگی طبقات حاکم به اعمال هژمونی فرهنگی بر طبقات زیر سلطه میپردازند.